



شهادت ۲ مأمور پلیس

در سیستان و بلوچستان

دو مدافع امنیت در جریان عملیات ترور یبستی در شهرستان سیب و سوران استان سیستان و بلوچستان به شهادت رسیدند.

صبح روز گذشته، مأموران پلیس شهرستان سیب و سوران در حال گشت‌زنی در محور خاش به امدان بودند که هدف تیراندازی گروه ترورستی قرار گرفتند. در جریان این عملیات، دو نفر از مدافعان امنیت به شهادت رسیدند و یکی دیگر از مأموران مجروح و روانه بیمارستان شد. همزمان با حضور تیم‌های پلیس در محل تلاش برای شناسایی و بازداشت عاملان حادثه جریان دارد.

بازداشت شرور چاقو به دست

باشلیک پلیس

شرور سابقه‌دار در شرق تهران با شلیک پلیس اطلاعات پایتخت بازداشت شد.

به گزارش «جوان»، چندی قبل مأموران مرکز عملیات پلیس اطلاعات از فعالیت‌های مجرمانه یکی از اشخاص در شرق تهران باخبر و برای بازداشت متهم وارد عمل شدند. بررسی سوابق متهم نشان داد او از اوایش سابقه‌دار است که به اتهام جرائم مختلف بازداشت شده بود. وقتی مأموران برای بازداشت متهم وارد عمل شدند، او با چاقو به سمت مأموران حمله کرد، اما با شلیک پلیس زمین گیر و بازداشت شد. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد.

سارقان طلای زنان

گرفتار گشت پلیس شدند

دو سارق موتورسوار که با تهدید زنان رهگذر طلای آنها را سرقت می کردند، در جریان تعقیب و گریز با پلیس تهران بازداشت شدند.

به گزارش «جوان»، سرهنگ داود زندی، سرکلانتر یکم پلیس پیشگیری پایتخت گفت: چندی قبل شکایت‌های مشابه درباره زورگیری از زنان رهگذر به کلانتری دریند گزارش شد. یکی از شاکیان گفت: در حال عبور از محل بومد که دو موتورسوار راهم را اسد کردند و با تهدید، التگوهایم را سرقت کردند و گریختند. مأموران کلانتری با اطلاعاتی که شاکیان در اختیار پلیس گذاشتند و بررسی دوربین‌های مداربسته چهره متهمان را شناسایی کردند. در حالی که بررسی‌ها جریان داشت، مأموران هنگام گشت‌زنی متوجه حضور دو متهم شدند و زمانی که برای بازداشت آنها وارد عمل شدند، متهمان از محل فرار کردند، اما در جریان تعقیب و گریز بازداشت شدند. دو متهم در بازجویی‌ها به ۱۳ زورگیری مشابه اعتراف کردند. تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر آنها جریان دارد.

انحراف به چپ ساینه ۴ کشته

بر جای گذاشت

رئیس پلیس راه استان آذربایجان غربی از جانباختن چهار سرنشین ساینه در تصادف این خودرو با یک دستگاه ترابلی در محور چایساره – ماکو خبر داد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ پناهی‌مقدم گفت: همزمان با اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ درباره تصادف در سراهی حاجیلار، مأموران پلیس به همراه نیروهای امدادی به محل اعزام شدند. وی افزود: بررسی‌های اولیه نشان داد خودروی سواری ساینه با تریلی بر خورد کرده و دچار آتش سوزی شده‌است و هر چهار سرنشین خودرو در صحنه جان خود را از دست داده‌اند. رئیس پلیس راه استان گفت که علت تصادف انحراف به چپ خودرو ساینه‌ا شده‌است.



کشف محموله هروئین

از معده ۲ سوداگر مرگ

فرمانده انتظامی شهرستان تربت حیدریه از دستگیری دو سوداگر مرگ و کشف یک کیلو و ۳۰۵ گرم هروئین از معده آنها خبر داد. به گزارش «جوان»، سرهنگ حمیدرضا خوشخو گفت: مأموران ایستگاه بازرسی کامه هنگام کنترل خودروهای عبوری به دو سرنشین یک خودروی سواری پژو مشکوک شدند و خودرو را برای بررسی بیشتر به داخل ایستگاه هدایت کردند. وی افزود: بررسی‌ها نشان داد دو مسافر با بلع مقادیر قابل توجهی مواد مخدر در حال قاچاق مواد هستند که با اعزام متهمان به بیمارستان، یک کیلو و ۳۰۵ گرم هروئین از معده آنان کشف شد.

درگیری خونین ۲ سارق

در اسلامشهر

درگیری خونین دو سارق در شهرستان اسلامشهر با قتل یکی از آنها پایان یافت. سرهنگ محمدرضا علیزاده، فرمانده انتظامی شهرستان اسلامشهر گفت: دو روز قبل مأموران پلیس از کشف جسد مردی جوان در یکی از محله‌های شهر اولان با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد جسد متعلق به مردی ۳۰ ساله‌است که به طرز مرموز به قتل رسیده‌است. بررسی سوابق مقتول نشان داد که وی از مجرمان سابقه‌دار و در زمینه سرقت لوازم داخل خودرو فعال بوده‌است. تحقیقات بعدی پلیس نشان داد مقتول در جریان درگیری با یکی دیگر از سارقان به کام مرگ رفته‌است که متهم تحت تعقیب قرار گرفت و دستگیر شد. تحقیقات در این باره ادامه دارد.

غلامرضا مسکنی

پرونده جنجالی قتل داماد ۲۸ ساله در تهران، که با اعترافات همسر جوان و دوست صمیمی‌اش گره خورده بود، سرانجام با گذشت پدر مقتول بسته شد و تازه عروس ۲۵ ساله در آستانه اجرای حکم قصاص، زندگی دوباره یافت.

عصر روز دوشنبه، یکم بهمن ۱۴۰۲، زنگ پلیس تهران با تماس لرزان زنی به صدا درآمد که از قتل دامادش خبر می‌داد. او گفت: «دخترم ساعتی قبل با من تماس گرفت و در خواست کمک کرد. وقتی به خانه‌اش رفتم، با جسد خون آلود دامادم روبه‌رو شدم. او به قتل رسیده‌بود و تصور می‌کردم در درگیری با سارقی به قتل رسیده‌است، اما بعد فهمیدم دخترم با همدستی دوستش شوهرش را کشته‌است. چند دقیقه‌ای شوکه بودم و دخترم از من خواست کمک کنم جسد را به بیرون منتقل کنیم. به بهانه کمک، بیرون آمدم و با پلیس تماس گرفتم.»

با اعلام این خبر، دقایقی بعد مأموران پلیس در صحنه حاضر شدند و با پیگرد خون آلود مردی جوان روبه‌رو شدند که با چاقو چنان باخته‌بود. سپس حادثه خونین را به قاضی محمد جواد شفعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران خبر دادند و تیم جنایی با حضور در محل حادثه، بررسی ماجرا را آغاز کرد.

اعترافات هولناک
همسر مقتول و دوست صمیمی او، در همان

لحظات اولیه بازداشت شدند و سپس به جرم خود اعتراف کردند.

همسر مقتول در اعترافاتش گفت: «من و شوهرم اختلاف داشتیم، اما هرگز قصد کشتنش را نداشتم. فکر نمی‌کردم روزی دستم به خون شوهرم آلوده شود تا اینکه ملیکا دوستم میهمان شد. دوستم مدتی میهمان خانه ما بود، چون با شوهرش به مشکل خورده‌بود. او به همین دلیل از خانه‌اش قهر کرد و به خانه ما پناه آورد. دلم به حالش سوخت و او را به عنوان میهمان به خانه‌ام راه دادم، اما هرگز تصور نمی‌کردم با بدگویی‌های او از شوهرم، من دست به حادثه خونین بزنم. ملیکا مدام از شوهرم بد می‌گفت و می‌گفت مرا دوست ندارد و قصد طلاق را دارد. حرف‌هایش روی من تأثیر زیادی گذاشت و اختلاف ما را بیشتر کرد. نمی‌دانم چرا به گفته‌های شوهرم اعتماد نکردم، اما به صحبت‌های دوستم اعتماد کردم. روز حادثه بین من و شوهرم دعوا شد. ملیکا هم عصبانی شد و به هواخواهی من وارد درگیری ما شد. در جریان درگیری ناخودآگاه چاقو برداشتم و چند ضربه زدم. ملیکا هم کمک کرد. وقتی دیدم شوهرم روی زمین افتاده و دیگر نفس نمی‌کشد، ترس تمام وجودم را گرفت. با مادرم تماس گرفتم تا کمک کند جسد را پنهان کنیم، اما او پلیس را خبر کرد و دست ما رو شد. حالا فقط پشیمانی مانده و یک کابوس که رهایم نمی‌کند.»

ملیکا نیز در بازجویی گفت: «من نمی‌خواستم همسر مقتول و دوست صمیمی او، در همان صحنه حاضر شدند و با پیگرد خون آلود مردی جوان روبه‌رو شدند که با چاقو چنان باخته‌بود. سپس حادثه خونین را به قاضی محمد جواد شفعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران خبر دادند و تیم جنایی با حضور در محل حادثه، بررسی ماجرا را آغاز کرد.

بخشش تازه عروس قبل از قصاص



با این تصمیم بزرگوارانه، تازه‌عروس از مرگ حتمی نجات یافت و فرصت دوباره‌ای برای زندگی پیدا کرد. وی به زودی از جنبه عمومی جرم در دادگاه محاکمه می‌شود.

کسی کشته نشود. فقط می‌خواستم از دوستم دفاع کنم. وقتی دیدم او با شوهرش درگیر است، نتوانستم سکوت کنم و کمکش کردم. همه چیز در چند لحظه اتفاق افتاد.»

محاکمه و حکم قصاص

پرونده پس از بازسازی صحنه قتل به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. قضات شعبه رسیدگی کننده، همسر مقتول را به جرم مباشرت در قتل به قصاص نفس و دوستش را به جرم معاونت در قتل به حبس محکوم کردند. حکم در دیوان عالی کشور تأیید شد و پرونده برای اجرا به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران رفت.

لحظه گذشت

در حالی که شمارش معکوس برای اجرای حکم آغاز شده‌بود، تیم صلح و سازش وارد ماجرا شد. تلاش‌هایی برای جلب رضایت اولیای دم هفته‌ها ادامه داشت تا اینکه سرانجام پدر مقتول، تصمیمی متفاوت گرفت و اعلام کرد قاتل پسرش را بخشید. او گفت: «از همان ابتدا تصمیم داشتم حکم قصاص را اجرا کنم. در این مدت همیشه خواب پسرم را می‌دیدم و تصور می‌کردم او دوست دارد قصاص نکنم، اما دلم آرام نمی‌گرفت. به همین خاطر می‌خواستم حکم اجرا شود، اما بعد با خودم گفتم قصاص آرامش واقعی نمی‌دهد. به خاطر رضای خدا و آرامش روح پسرم گذشت کردم. جان را خدا داده و خدا هم می‌گیرد.»

انکار قتل پرونده جنایی رایچیده کرد

ترک کرده و زندگی‌ام نابود شده‌است، در حالی که قاتل نیستم.»

قاضی در واکشتی به این اظهارات پرسید: «کارشناسان فیلم را بررسی و اعلام کرده‌اند شخصی که ضربه‌ها را زده، تو هستی. در این مورد چه می‌گویی.»

متهم پاسخ داد: «قسم می‌خورم من نزدم و نمی‌دانم چرا مرا متهم کرده‌اند.»

وکیل متهم نیز با اشاره به مدارک و عکس‌ها گفت: «هوکل من از ابتدا منکر وارد کردن ضربه بوده‌است. شهادت‌های نادرست و کذب باعث ایجاد این اتهام شده‌است. بررسی‌ها نشان می‌دهد با چوبی که موکلم در اختیار داشت، امکان وارد کردن ضربه مرگ‌بار وجود نداشت.»

هیئت قضات رسیدگی را برای بررسی دقیق‌تر گزارش کارشناسان، فیلم دوربین مداربسته و سایر مستندات تجدید کرد. این پرونده همچنان در جریان است و نتیجه‌ای پس از تکمیل تحقیقات و نظر کارشناسان قضایی اعلام خواهد شد، اما آنچه روشن است، پیچیدگی پرونده، نقش محوری کارشناسان و اختلاف اظهارات متهم و شاهدان است که مسیر قضایی را طولانی و حساس کرده‌است.

حکم در دیوان عالی کشور نقض و پرونده برای رسیدگی مجدد به شعبه ۳ دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد. در جلسه بعدی اولیای دم بار دیگر در جایگاه حاضر شدند. یکی از آنان در خواست دیه کرد و دیگران حکم قصاص خواستند. وکیل اولیای دم با استناد به گزارش دوربین‌های مداربسته و نظر به کارشناسان گفت: «ضارب دو ضربه مستقیم به سر مقتول وارد کرده و علت مرگ وی همین ضربات است. کارشناسان پنج بار این موضوع را تأیید کرده‌اند و مشخص شده که ضارب، متهم حاضر در دادگاه‌است.»

کاوه در جایگاه حاضر شد و اظهار داشت: «اتهام قتل را قبول ندارم. روز حادثه برای خرید به یک ابزارفروشی رفتم. مغازه بسته بود و منتظر باز شدن آن بودم. در همان زمان صدای درگیری شنیدم. یکی از اقوامم به نام مسعود با شخصی درگیر شده بود. من یک دسته تی بر داشتم و به محل رفتم و به کمک دیگران از درگیران ضربه زدم، سپس با یک چوب ضربه‌ای به پای مقتول وارد کردم، اما هیچ کدام از ضربات من موجب مرگ محمود نشد. محمد فردی است که ضربه‌های مرگ‌بار را زده‌است.»

متهم ادامه داد: «پنج سال است که در زندان هستم، خانواده‌ام را از دست داده‌ام، نامزد مرا

جلال مهرگان

بازبینی فیلم‌های دوربین مداربسته یک نزاع خونین در شهریار نشان می‌دهد ضربات یکی از شرکت‌کنندگان به سر مقتول، نقش محوری در مرگ او داشته‌است، هر چند متهم همچنان اتهام قتل را انکار می‌کند، اما کارشناسان پنج بار هویت ضارب را تأیید کرده‌اند و پرونده پس از پنج سال در دادگاه کیفری استان تهران در حال رسیدگی است.

پنج سال قبل مأموران پلیس شهرستان شهریار با در یافت خبر وقوع نزاع به محل اعزام شدند و مشاهده کردند مردی به نام محمود مجروح و به بیمارستان منتقل شده‌است. در حالی که بررسی‌ها جریان داشت، ساعتی بعد خبر فوت مجروح اعلام شد. بررسی‌های اولیه پلیس به شناسایی و بازداشت چند نفر از جمله مردی به نام کاوه منجر شد. با وجود اینکه متهم هیچ‌گاه به قتل اعتراف نکرد، مدارک موجود موجب صدور کیفرخواست و ارجاع پرونده به دادگاه شد.

در جلسه رسیدگی اولیه شعبه ۱۷ دادگاه کیفری استان تهران، اولیای دم در خواست قصاص کردند و متهم اتهام قتل را انکار کرد. دادگاه نخست براساس بررسی‌های اولیه، رأی بر ااثت صادر کرد، اما این



قتل شوهر به خاطر عشق تلگرامی

آرمین بینا

پرونده مرگ مشکوک راننده مسافربر در قلعه‌نوس پس از ۵۳ روز تحقیقات پلیسی و بررسی ردی‌های حادثه، به اعتراف همسر مقتول و مورد مورد علاقه‌اش ختم شد. دو متهم که در تلگرام با هم آشنا شده بودند، نقشه قتل را طراحی و اجرا کردند.

سه‌شنبه، سوم مردادماه امسال، مأموران کلانتری قلعه‌نوس جسد مرد میانسالی را در حوالی تهران کشف کردند و حادثه را به بازپرس کشیک ویژه قتل پایتخت خبر دادند. تیم جنایی به محل حادثه اعزام شد و در آنجا با پیگرد خون آلود مردی حدوداً ۵۰ ساله که در فاصله چند قدمی خودروی تینیا سفیدرنگ‌ها شده بود، روبه‌رو شد.

بررسی‌های اولیه نشان داد مقتول که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده، پیمان نام دارد و خودروی تینیا متعلق به اوست. نکته عجیب ماجرا این بود که هیچ‌کس از سرقت در صحنه دیده نمی‌شد؛ کیف پول و مدارک مقتول سر جایش و خودرو نیز در نزدیکی جسد رها شده بود. همین موضوع فرضیه قتل به انگیزه سرقت را رد کرد و تیم جنایی به سراغ سایر احتمالات رفت.

ردپای یک مسافر افغان

با شناسایی هویت مقتول، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران تحقیقات خود را آغاز کردند. همسر مقتول در اولین اظهارات خود گفت: «پیمان با خودرویش مسافرکشی می‌کرد. البته او مسافران خاص خودش را داشت. روز حادثه یکی از مسافران ثابتش که مردی افغان به نام بشیر بود به خانه‌ام آمد و از شوهرم خواست او را به محل کارش ببرد. پیمان قبول کرد و این آخرین باری بود که من شوهرم را زنده دیدم.» با این اطلاعات، بشیر بازداشت شد، اما ادعا کرد روز حادثه با خودروی صاحب کارش سر کار رفته و پیمان را ندیده‌است. بررسی تصاویر دوربین مداربسته محل کار بشیر نیز گفته‌های او را تأیید می‌کرد و پلیس به این نتیجه رسید که مظنون افغان بی‌گناه است، و

پلیس به این نتیجه رسید که مظنون افغان بی‌گناه است، و

پلیس به این نتیجه رسید که مظنون افغان بی‌گناه است، و

پلیس به این نتیجه رسید که مظنون افغان بی‌گناه است، و

پلیس به این نتیجه رسید که مظنون افغان بی‌گناه است، و

گفت‌وگو با متهم

پروین با شوهرت از کی اختلاف پیدا کردی؟

اختلاف ما خیلی زود شروع شد. واقعیتش ازدواج ما اصلاً درست نبود و من احساسی تصمیم به ازدواج گرفتم و خیلی زود هم پشیمان شدم.

چرا؟

من و پیمان همکار بودیم و در یک شرکت دارویی کار می‌کردیم که با هم آشنا شدیم و در نهایت هم ازدواج کردیم. اما پیمان ۲۰ سال از من بزرگ‌تر بود و خیلی زود فهمیدم ازدواجم اشتباه بود. هر جا که با هم می‌رفتیم، همه فکر می‌کردند او پدرم است، نه همسر. خجالت می‌کشیدم، اما این موضوع را هم اگر کنار

بگذارم، اخلاق او بد بود. زود عصبانی می‌شد و

دست‌بزن داشت و همیشه کتک کاری می‌کرد. من جوان بودم و دلم زندگی شادی می‌خواست، اما همیشه در سکوت و ترس زندگی می‌کردم. به همین دلیل تصمیم به قتل گرفتم؟

تا زمانی که پای ایرج به زندگی‌ام باز نشده بود، تصمیمی نداشتم. اما بعد از آشنایی با ایرج، او این پیشنهاد را داد.

چطور با ایرج آشنا شدی؟

در تلگرام با او آشنا شدم. او کارگری ساده، اما مهربان بود و حرف‌هایم را می‌شنید. بعد از مدتی احساس کردم می‌توانم به او تکیه کنم. وقتی علاقه‌اش را گفتم، من هم جواب مثبت دادم. پس از این تصمیم گرفتیم از پیمان طلاق

بگیرم، اما او حاضر نبود طلاقم بدهد. شاید

همین موضوع باعث کشیدن نقشه قتل شد، چون مانع رسیدن ما به هم بود.

یعنی تصمیم گرفتید مانع را از میان بردارید؟

بله، ایرج گفت تنها راه این است که پیمان نباشد. من هم در آن لحظه فکر کردم درست می‌گوید، چرا که می‌خواستم از زندگی پر از دعوا و تحقیر خلاص شوم.

درباره روز حادثه توضیح بده؟

صبح بود که ایرج پیام داد و گفت نقشه را اجرا می‌کنیم. من به پیمان گفتم مسافری برایت پیدا شده‌است و او رفت تا ایرج را سوار کند. چند ساعت بعد فهمیدم کار تمام شده و ایرج تماس گرفت و گفت در نزدیکی محل کارش

مرگ سارق سابقه‌دار

در تعقیب و گریز

آرمین بینا

سارق سابقه‌داری پس از سرقت خودروی سواری در تعقیب و گریز مأموران در آزادراه تهران – کرج با شلیک گلوله جان باخت. تحقیقات درباره این حادثه به دستور بازپرس جنایی ادامه دارد.

ساعت ۴:۳۰ بامداد دیروز مأموران کلانتری ورداورد، مرگ مشکوک مرد جوانی را به قاضی سالار صنعتگر، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران خبر دادند.

تیم جنایی با حضور در محل حادثه در بزرگراه تهران – کرج با جسد مرد ۳۵ ساله‌ای به نام پرویز روبه‌رو شدند که با شلیک گلوله جان باخته‌بود.

همان ابتدا مشخص شد مرد شده سارق سابقه‌داری است که در تعقیب و گریز مأموران گشت کلانتری ورداورد با شلیک گلوله کشته شده‌است. مأموران در جریان تعقیب و گریز ۹تیر به سمت خودرو شلیک کرده بودند که ۵تیر آن به خودرو اصابت کرده‌بود و یکی از آنها باعث مرگ سارق جوان شده‌بود.

بررسی شماره پلاک خودروی سواری حکایت از آن داشت که سرقتی است و صاحب آن شامگاه ۲۲ شهریور امسال اعلام سرقت کرده و گفته خودرویش از جلوی خانه‌اش در یکی از خیابان‌های جنوب غربی تهران سرقت شده‌است.

یکی از مأموران گفت: «من و همکارم در خیابان‌های محله ورداورد در حال گشت‌زنی بودیم که یک خودروی سواری نظرم‌ان را به خود جلب کرد. راننده‌اش در حال دور دور بود و مشکوک به نظر می‌رسید که بافاصله شماره پلاک آن را از مرکز استعلام گرفتیم و مرکز هم اعلام کرد خودرو سرقتی است. سپس به خودرو نزدیک شدیم و به راننده دستور ایست دادیم، اما راننده با دین‌ما

پایش را روی پدال گاز فشار داد و با سرعت زیاد از محل فرار کرد. او را تعقیب کردیم و به مرکز هم خبر دادیم که خودروی سواری پس از تعقیب و گریز در چند خیابان وارد بزرگراه تهران – کرج شد. چند باری دستور ایست دادیم، اما راننده توجهی نکرد که چهار تیر هوایی شلیک کردیم و به راننده هشدار دادیم، اما باز هم توقف نکرد. در ادامه با به کارگیری قانون سلاح برای توقف خودرو اقدام به شلیک کردیم که خودرو متوقف شد. وقتی به سراغ راننده رفتیم، دیدیم تیری به او اصابت کرده و خونین پشت فرمان افتاده‌است. به سرعت از اوورانس کمک خواستیم، اما او به خاطر خونریزی شدید فوت کرد. سپس حادثه را به بازپرس جنایی خبر دادیم.»

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، بازپرس جنایی دستور داد سرقته‌ها و سوابق مرد فوت شده برای بررسی به دادسرا ارسال شود و خانواده مرد فوت شده شناسایی و از آنها تحقیق شود. وی همچنین پرونده را برای بررسی در اختیار تیم کارشناسی قرار داد تا مشخص شود مأموران کلانتری، قانون به کارگیری سلاح را رعایت کرده‌اند یا نه. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.



پیدا شده و همانجا با چاقو پیمسان را به قتل رسانده‌است.

چرا در ابتدا پای مرد افغان را وسط کشیدی؟

می‌ترسیدم دستگیر شوم. می‌خواستم پلیس را گمراه کنم تا کسی به ما مشک نکند. فکر می‌کردم اگر زمان بگذرد همه چیز فراموش می‌شود.

عذاب وجدان نداشتی؟

از همان روز اول عذاب وجدان به سراغم آمد و هر شب کابوس می‌دیدم.

الان که دستگیر شده‌ای چه حسی داری؟

خیلی پشیمانم. کاش همان موقع از او جدا می‌شدم و زندگی‌ام را به اینجا نمی‌کشیدم.